

## روشنفکر معيار



۲

دکتر مصطفی رحیمی متولد ۱۳۰۴ است

در نائین

عصر رضاشاه

و بن زن تولد ایها

▪ سعید محبی و آمدن و رفتن دکتر مصدق مصلحت است

با جوانی اش شاهد نهضت ملی و کودتا بوده است بنابراین مژه تلح آن شکست را زیر

دننان دارد در یزد و اصفهان به مدرسه رفته و سپس در داشکده حقوق درس خوانده

و بعد وارد شغل قضا شده و برای اینکه بتواند استخدام شود، ۲ سال کبر سن گرفته

به قول سهراب پرسش همه دنبال صغر سن هستند ولی بایا اول یک «طور دیگر» بودا آن

سالها یعنی از دهه ۱۳۴۰ هم در دادگستری قضاؤت می کرد و هم می نوشته و ترجمه می کرد

مقارن سالهای انقلاب ۱۳۵۷ بازنشسته شد پروانه و کالت عدیله گرفت اما هیچ گاه «کوکیل

حرفه‌ای نشد و بیشتر خوده کارهای وکالتی دوستان را تجاه می داد قضاؤت به اوضاع خاصی

بخشیده بود همراه سواس و دقت زیاد و این روحیه با وکالت در عدیله پس از انقلاب هیچ

سنخیتی نداشت بعد از انقلاب مدتی گویا ۱۰۰ روز با عدیمه دیگر بارداشت شد به اتهامی

پرست می گفت در یک جلسه عصرانه با چند نفر از اهل قلم نشسته بودیم و اثار می خوردیم و درباره

«سال قانون» حرف می زدیم که آمدند و ما را برداشت البته مدتی بعد هم از ایشان رفع اتهام شد و

همگی رها شدند اما باز هم می گفت خاطرات آن صد روز را نوشتم به اسم «عصرانه با طعم قانون»

که لاب در پادشاهی بجا مانده از او باقی مانده تأثیرات چاپش بررسد

۷۷ ساله بود که رفت به صبح روز ۹ مرداد ۱۳۸۱ و علت مرگ را روابط عیان گوناگون دارد

امیخته با اقیعت و افساده از پرت شدن از پشتیبان هنگام درست کردن آنتن تلویزیون گرفته تا

سکته و ایست قلبی (دریشتی بام) و حتی خود را فرو انکنن از فرط سومومی که برطرف چمن

می وزید و از درماندگی روزگاران به قول مولاکا کاشکی هستی زبانی داشتی اتا ز هستان پرده بر

می داشتی عمر را به هشتاد نرسانده بود و با زنگاه مرگ طبیعی هنوز چند منزل دیگر فاصله

داشت اما پیر شده بود و پیماری هم امانت را برده بود پیری و بیماری کار خود را کرده بود و

روز به روز از کاهیدن آخرين بار که دیدمش یک ماه قبل از مرگش بود پوستی کشیده بر

استخوانی با این همه آن الماس ذهن هنوز تیز و تند می برد و آن دل شیدا هنوز در هوای آزادی

و عدالت، قرض و محکم، می تبید و آن نگاه نجیب تا دورها را می دید

اهل ادعا نبود و از ریا هیچ خبر نداشت ابدأ اهل شهرت و تفصیلات نبود و حتی این

جاده‌طلبی خاص اهل قلم را که از قضا مشروع ترین جاده‌طلبی است نداشت گاه آنقدر ساده بود

که آدم را عصیانی می کرد نمونه کامل یک انسان اخلاقی و وارسته و نجیب، یک روش‌نگار معیار

با نگاهی اصولی و درست جز آنچه بود خود را نشان نمی داد حتی گاه کمتر از آن که بود نشان

می داشت در سخن گفتن استوار اما فروتن بود هر وقت کتابی چاپ می کرد یا مقاله‌ای منتشر

می کرد که مؤثر می افتد وقتی به اول می گفتی «خواندن، چقدر خوب بود». برق شوق و رضایت در

چشم پیدامی شد که توسعه برگی بر آغاز بیندازید.

قالمش پاک، نجیب، گرم و در عین حال استوار بود زبان فارسی را خوب می داشت و نثر

پاکیزه‌ای داشت و می شود گفت در نوشتن نوعی سبک داشت. حتی وقتی انتقاد می کرد یا

می خواست در مقوله‌ای یا مقاله‌ای با کسی پیچید، حریمها را حفظ می کرد با اخلاق می نوشت

اهل دشتم و جنجال در نوشتن نبود در عالم نویسنده‌گی قدرت اقناع او بیش از آنکه در کلام و

استدلال بشد - که البته در این هم بود اما به هر حال می توانت مخالفی هم داشته بشد - در

لحن و لسانی بود که به کار می گرفت و در ادب و اخلاقی بود که رعایت می کرد حتی درباره

حزب ستایندگان استالین و اتحاد جماهیر شوروی سابق می نوشت طنز و شیرینی به کار می گرفت

اما دشتم و سیزده و زشتی، هرگز!

رحیمی هیچ گاه عضو حزب نیروی سوم نبود ولی یکی از آخرین نمونه‌های روش‌نگاری بود که

با خلیل ملکی پایه گذار تئوری نیروی سوم مشخص می شوند از جمله ویزگی‌های خلیل ملکی و

بلن وی، عمق داشت تاریخی و هوشمندی در حوزه اندیشه، نزهت سیاسی همراه با اعتماد به نفس

در حوزه عمل و بالآخره پایندگی جدی به استقلال از دب لوک قدرت غرب و شرق (موازنه منفی)

بود که دستوارد آن سوسیالیسم ایرانی و دموکراسی (عدالت و آزادی) بود جلال آلمحمد می گفت

خلیل ملکی نه تنها در مسائل اجتماعی استاد شخص من و بسیاری دیگر از روش‌نگران معاصر

است بلکه منحصر به فردترین نمونه روش‌نگری است که در چهل سال اخیر مدام حی و حاضر

بوده و گرچه به ظاهر ناکامی مددوه هم داشته، اما برد اصلی با او بوده و من این نگاه اندیادی به

مسلسل اجتماعی و سیاسی را ز همان همنشینی با ملکی آموخته‌ام و در جای دیگری می گوید

«و به هر صورت این یکی از برهه‌ای عمر ناچیز من بود که تواسته‌ام بیست سال تمام در محضر او (ملکی) حاضر باشم و از حاصل زندگی اش تجربه بگیرم و از یکندنگی‌هایش درس‌ها بیاموزم» (در خدمت و خیانت روش‌نگران- ص ۳۳۲ و ص ۳۵۸ چاپ خوارزمی ۱۳۵۷)، به هر حال، رویکرد منتقدانه و تاریخی نسبت به غرب و مسائل اجتماعی و سیاسی معاصر از جمله روش‌های راهنمای نزد ملکی و نیروی سومی‌ها بوده که روش‌نگران و نویسنده‌گان مثل جلال و رحیمی ساخت از آن متأثر بوده‌اند (یادمان نزد که سخن از سالهای اواخر دهه ۱۳۲۰ و دهه ۱۳۳۰ است). این نکته کمی توضیح می‌طلبد.

مواجهه می‌باشد و بیمار گونه بوده و همراه با افراط یا تغیر طبقه: یا غرب سیزی کین توزانه یا غرب سنتی شیفته وار و شگفتگان که همین غرب سیزی یا غرب سنتی ما، دو سر طیف غرب‌زدگی استا چرا که در از ر غرب آموخته‌یم: با تکیه ام از آموخته‌های غربی (تیهیلیسم) یا غرب سیزی‌گی کردیم، و با شخوار مدنیتی خال نسبت به غرب شیفتگی ورزیده‌ایم از موضع نم دنیا و سنتی‌شی صوفی‌گی، به توانگری غرب و توسعه آن حمله کردیم، سر از فقر مضاعف در آوردمیم، و از موضع قدح قدرت و به آنکه پول نفت، به سیاست غرب تاختیم، سر از استبداد مضاعف در آوردمیم اما هیچ گاه از موضع نقدی به «غرب سنجی» یا نیرداختیم یا کمتر پرداختیم دکتر رحیمی از پیش‌گامان این «غرب سنجی» بود.

دکتر مصطفی رحیمی نسبت به فرهنگ و تمدن معاصر غرب به ویژه در حوزه اندیشه و هنر و ادبیات معاصر فرانس نوشته و با همان نگاه در کار غرب نظر کرد و کارنامه آن را ارزیابی کرده بدون اینکه در کام افراط و تغیر طبقه افتند، با این رویکرد، پیداست که مصطفی رحیمی غرب سیزی نیست، اما چندان دل خوشی هم از عملکرد غرب ندارد و جایه جایه سودانگویی‌ها و ناجاونمردی‌های بعضی کشورهای غربی در حق سایر کشورها - از استعمار دریه‌یم و بردن نفت ارزان و فروش اسلحه که از کفرابیلی مشهور تراست گرفته، تا استعمار نو و تخلیه و مسخ فرهنگی دیگر ملت‌ها - اشاره می کند و به آن انتقاد و اعتراض می نماید. نمونه‌اش، مؤخره‌ای است که بر «جنگ خلیج فارس» (انتشارات البرز- ۱۳۷۱) نوشته است.

او مذهب مختار روش‌نگران چند دهه اخیر در غرب‌سیزی و دشمن به سرمایه‌داری را پنداشت و یکی از منتقدین کتاب غرب‌زدگی جلال بود ولی جلال را به خاطر صداقت و پاکی و صراحتش دوست داشت. بهترین انتقاد رحیمی از «غرب سیزی» متداول در ایران را می توان در نقدی که بر کتاب شایگان «اسیا در برای غرب» نوشته دید. رجوع کمین: جزو نقد، انتشارات آگاه، شماره ع و می‌زدید و از درماندگی روزگاران به قول مولاکا کاشکی هستی زبانی داشتی اتا ز هستان پرده بر می داشتی. عمر را به هشتاد نرسانده بود و با زنگاه مرگ طبیعی هنوز چند منزل دیگر فاصله داشت. اما پیر شده بود و پیماری هم امانت را برده بود پیری و بیماری کار خود را کرده بود و روز به روز از کاهیدن آخرين بار که دیدمش یک ماه قبل از مرگش بود پوستی کشیده بر استخوانی، با این همه آن الماس ذهن هنوز تیز و تند می برد و آن دل شیدا هنوز در هوای آزادی و عدالت، قرض و محکم، می تبید و آن نگاه نجیب تا دورها را می دید.

در عین حال، از مظلومه‌های شرق از نوع استالینی آن، نیز غافل نبود و در نقاب بر گرفتن و افشاری خرافه‌های مانند حکومت پرولتاپاریا هیچ کم نگذاشت. مؤخره‌ای که بر کتاب «چرا شوروی متنلاش شد» نوشته بکی از نقدی‌های جانه ای پرولتاپاریا است که در صرفا نوشته شده با عکس، هر جاندیشه‌ای و سخنی تازه از اصحاب اندیشه در غرب می شنید یا خواند، از سر انتقام و با تواضع و شوق می بیدرft و آن را برای خواننده شرح می داد: از نقد و شرح آثار متقدیر کلasic مانند روس و مونتسکیو گرفته تا اندیشه و روزانه از اندیشه و پر از مسئله سارتر و کامو و پرست.

در عین حال، از مظلومه‌های شرق از نوع استالینی آن، نیز غافل نبود و در نقاب بر گرفتن و افشاری خرافه‌های مانند حکومت پرولتاپاریا هیچ کم نگذاشت. مؤخره‌ای که بر کتاب «چرا شوروی متنلاش شد» نوشته بکی از نقدی‌های جانه ای پرولتاپاریا است که در صرفا نوشته شده با عکس، هر جاندیشه‌ای و سخنی تازه از اصحاب اندیشه در غرب می شنید یا خواند، از سر انتقام و با تواضع و شوق می بیدرft و آن را برای خواننده شرح می داد: از نقد و شرح آثار متقدیر کلasic مانند روس و مونتسکیو گرفته تا اندیشه و روزانه از اندیشه و پر از مسئله سارتر و کامو و پرست.

دل مشغولی‌های مصطفی رحیمی اغلب در حوزه اندیشه و فرهنگ است، البته با نیم‌نگاهی به فلسفه با فلسفه معاصر آشنا بود اما او فلسفه نبود و ادعایی هم نداشت. او بیشتر یک منتقد و شارح و مفسر اندیشه‌های معاصر است - البته به جز پست مدرنیسم که به قول خودش چون با سلیقه اونمی خواند دنبال آن نرفت. و من اضافه می کنم چون دنبال جنجال و تیراز نبود، حاضر نشد به شخوار خام حرف‌هایی پرداخت که بیشتر به درد پز فضل و آداب می خورد تا تارح فمید و آگاهی پخشی ایشان نشود و در آتجه در جامعه و پیرامون او می گذرد تأمل کند. کاری بسیار مشکل و در عین حال مسوولیت آور: «آندهندسی فکر».

آندهندسی‌ها در روزگار ما بسیار سخت تراز اندیشه پردازی و اندیشه‌سازی است. (گفتنهاد تاریخ فلسفه،

از خود فلسفه مهمتر و خواندنی تر است). او دستگاه فلسفی خاصی را نیرداخت و پیشنهاد نکرد.

خود را پرپر و فلسفه خاصی هم نمی داشت. حتی نمی توان اورا اگزیستنسیالیسم که در سال ۱۹۶۰- ۱۹۷۰ غرب بود که تاریخی و سوسیالیسم و سوسیالیسم، که هنوز هم مطرح است. او هوشیار بود که در کار اندیشه

دچار شیفتگی یا آشتفتگی نشود و متوجه بود که به عنوان یک روش‌نگران باید در عمق حرکت کند و باید با حوصله بخواند و در آتجه در جامعه و پیرامون او می گذرد تأمل کند. کاری بسیار مشکل

و در عین حال مسوولیت آور: «آندهندسی فکر».

آندهندسی‌ها در روزگار ما بسیار سخت تراز اندیشه پردازی و اندیشه‌سازی است. (گفتنهاد تاریخ فلسفه،

از خود فلسفه مهمتر و خواندنی تر است). او دستگاه فلسفی خاصی را نیرداخت و پیشنهاد نکرد.

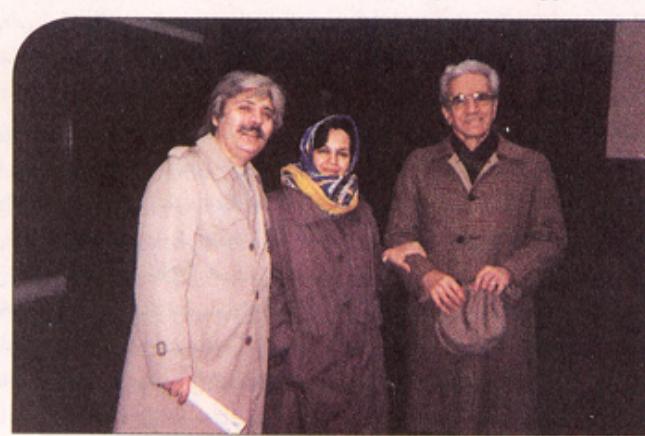
خود را پرپر و فلسفه خاصی هم نمی داشت. حتی نمی توان اورا اگزیستنسیالیسم که در سال ۱۹۶۰- ۱۹۷۰ غرب بود که تاریخی و سوسیالیسم و سوسیالیسم، که هنوز هم مطرح است. او بود اصلی با او بوده و من این نگاه اندیادی به

مسلسل اجتماعی و سیاسی را ز همان همنشینی با ملکی آموخته‌ام و در جای دیگری می گوید

باشیم، سراغ افکار کامو و سلتر رفتم که آن روزهای موضع چپ مستقل با جریان امیریالیستی از هر دنون رویی و امریکایی مبارزه می‌کرد. (مصاحبه با روزنامه همشهری - ۱۳۸۱/۵/۱۴)

آثار رحیمی را می‌توان به دوره تقسیم کرد: آثار متقدم او که قبل از انقلاب برمی‌گردد و آثار متأخرش که در سال‌های پس از انقلاب چاپ کرده اما او همیشه نویسنده روز بوده است. رحیمی یکی از بهترین «مقاله‌نویسان» (essayist) روزگار ماسنست. کتاب‌های یا س فلسفی، نگاه‌نمینگاه و دیدگاهها که در دهه ۱۳۵۰ - ۱۳۴۰ منتشر شده بی‌گفت‌وگو تأثیر فراوانی بر شکل‌گیری و چهت بخشی جریان‌های روشنگری در ایران داشته است. در این کتاب‌ها مطرّح‌ترین مسائل آن روز نقد و بحث شده، از جنبش دانشجویی ماه ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) فرانسه گرفته تا آراء و افکار فلسفی سارتر و نظرات مالتوس و خوزه دو کاسترو در زمینه جمعیت و گرسنگی، یا افکار بر تولت برشت ضد جنگ پس از انقلاب هم سه مجموعه مقالات چاپ کرد: یکی «گامها و آرمان‌ها» (نشر گفتار-۱۳۷۱) و دوم «ازادی و فرهنگ» (انتشارات مرکز-۱۳۷۴) و سوم «عبور از فرهنگ باز» (نشر گفتار قفر روز-۱۳۷۴). کتاب‌های دیگری هم پس از انقلاب از چاپ شده که ترجمه است. انتخاب اول در ترجمه هم هوشیارانه بود: «تعهد کامو» (نشر آگاه-۱۳۶۲) و «سخن باز» (نشر گردون-۱۳۷۱)، «بجزان مارکسیسم» (انتشارات سروش - ۱۳۷۰)، «دیالکتیک» پل فولکیه (ترجمه) (نشر آگاه-۱۳۶۲) و نیز پژوهش‌نامه‌ای «تکنولوژی، ازادی و آندره گز» (انتشارات ازای-۱۳۶۳) که همه حاوی مقالاتی است درباره مسائل فکری روزگار ما و ویژه پس از انقلاب.

دو کتاب هم در زمینه مسائل سیاسی روز ترجمه کرد یکی «جنگ خلیج فارس» (انتشارات البرز- ۱۳۷۰) که درباره ماجراه حمله عراق به کویت و شان داشت امریکا در قضایا است و دوم «چرا شوروی متلاشی شد» (نشر البرز- ۱۳۷۳) که مجموعه مقالاتی است از منابع فرانسوی مانند لوموند و نوول آبسرواتور در زمینه فرهنگ‌پژوهی شوروی و هر دو اثر مضمون مسائل روز و نشان‌دهنده جنایت‌های غرب و شرق در عرصه سیاسی و شیوه جهان‌دراشان در زمینه اثار کلاسیک ایران هم سه اثر دارد اما با نگاهی تو و بر اساس دغدغه‌های عصر: «سیاوش در آتش» (شرکت انتشار- ۱۳۷۱)، «ترلادی قدرت در شاهنامه» (تیلو فر- ۱۳۷۱-۱۳۷۲)، «حافظ اندیشه» (نشر نو- ۱۳۷۱) و امام‌همه‌ترین اثر او «مارکس و سایه‌هایش» است که احسان نراقی هم مقدمه مفصلی بر آن نوشته است و پس از درگذشت او منتشر شد (نشر هرمس- ۱۳۸۲-۱۳۸۳). رحیمی سال‌ها بر سر این کتاب رحمت کشید و یکی از بهترین آثار به زبان فارسی در تقدیم مارکسیسم به ویژه در روابط لینینیسم و استالینیسم است. الحق جای چنین کتابی در ادبیات سیاسی به زبان فارسی خالی بود و آنچه در این کتاب درباره مارکس آمده تازگی دارد. در این کتاب برای نخستین بار از ادوارد برنشتاين و از کالوتسکی که لنین او را مرتد خوانده بود و از زان ژروس و آزادی خواه و سوسیالیست فرانسوی سخن به میان آمد است. در یکجا موسید مارکس بلندپرواز است و در غم رهایی نشانه‌هایی از لو داشت. یادمان باشد که مارکس فیلسوف مهم و اثرگذاری است و تاریخ اندیشه و پسر است مارکس تا حدی آزادی خواه هم هست ولی مانند هر متکر دیگری مرتکب اشتباهات بزرگی شده و آنچه به نام او در شوروی (سابق) تحقق یافت کاریکاتوری از او بود ولی به هر حال نشانه‌هایی از لو داشت. یادمان باشد که مارکس فیلسوف مهم و اثرگذاری است و تاریخ اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر را از مارکس و مارکسیسم گزینی نیست. در آثار قبل از انقلاب دکتر رحیمی، می‌توان گرایش و اعتقاد او را به نوعی سوسیالیسم ایرانی و لیبرالیسم معتمد و با تأکید بر اخلاق و معنوی مشاهده کرد. آثار قبل از انقلاب او چنگه کیفیت ناظر به مسائل روز آن روزگار است از فلسفه گرفته تا هنر و ادبیات و نقد ادبی و حتی طبع آزمایی در عرصه شعر و داستان کوتاه و نمایشنامه‌نویسی. اما محور و چهت‌گیری اصلی این آثار، در دفاع از آزادی و تأمین معيشت مردم و نوعی چپ مستقل است که سایه‌واری است از چپ مستقل حوزه‌های روشنگری فرانسه دهه ۱۹۷۰-۱۹۷۶. یعنی نسل روشنگران پس از چنگ دوم جهانی در عین حال دکتر رحیمی انگیزه‌های اصلی خود را در ترجمه یا در توشن بیشتر از تعهد و علایق می‌گرفت که به جریان روشنگری مستقل و اصولی ایرانی داشت. در دهه ۱۳۵۰ - ۱۳۴۰ ایران شاهد دو جریان روشنگری است یکی جریان سالم و وطن خواه با تمایلات سوسیالیستی که تحریه شکست نهضت ملی را در دهه ۱۳۳۰ پشت سر دارد و عمدها «اعضا و هواندان نیروی سوم به رهبری خلیل ملکی‌آند و دوم جریانی که حزب رode را پشت سر دارد و خود را به مارکسیسم - لینینیسم روسی و فادرل می‌داند و همچنان چشم به راه «ایرانی جان یوسف» (زوج استالین) است. البته از جریان بی‌ریشه و بی‌هویتی نیز می‌توان نام برد که ایندا منظور تبدیل «عمره جان ویکتوریا» انجليس بودند و بعد کم در دهه ۱۳۴۰ دنبال «عموسام» راه افتادند و کشور را به کمک اعلیٰ حضرت‌شان



از راست: مصطفی رحیمی، سودابه رحیمی و سعید مجتبی

تیول آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها کردندا اما یک جریان اصیل و سالم روشنگری هم در آن سال‌ها شکل گرفت که چنان‌که گفتیم بیشتر متاثر اندیشه‌های خلیل ملکی بود و بستر رشد و بالیدن روشنگری‌مانند آل احمد و رحیمی شد در بعضی آثار متقدم دکتر رحیمی که در دوران رژیم دیکتاتوری سیاه شاه، نوشه‌های متون دید که از اصلاح‌بذری نظام سلطنتی مشروطه دل بریده و چشم به راه دگرگونی رژیم سیاسی و انقلاب مردمی است. اما از همان موقع تکلیف خودش و خوائندگانش را روشنگر کرده بود که مبنی‌شناخت افق‌نگاری پژوهش اتفاقی نیست. زیرا خلیل زود به این حقیقت پی برد که انقلاب از نوع مارکسیسم - لینینیسم که در دهه ۱۹۶۸ هنوز طغیان‌گردید داشت، راه به جایی نمی‌برد. تجربه حزب توده در ایران و تجربه بهار پراگ کافی بود که روشنگر مستقل، منزه و تبیینی مثل او قاعده شود که آن نسخه افق‌نگاری که نمی‌کند هیچ، مریض رایکسره می‌کشد.

در آثار متاخر دکتر رحیمی نیز کمبایش همان خط فکری و همان علقه‌ها را می‌توان دید البته با نگاهی متناسب به مسائل روز: پیروزی انقلاب و روند امور و به ویژه رشد مجدد چپ‌گرایی را دیگر در اواخر پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ روشنگری‌مانند دکتر رحیمی را هوشیار کرد که آن خرافه مارکسیسم - لینینیسم هنوز در دل و جان روشنگری‌کاران این مملکت حضور دارد. همین واقعیت او را وادر به بازخوانی و روشنگری مجدد در زمینه مارکسیسم - لینینیسم کرد دکتر رحیمی در این رفاقت بود که سعادت و بهروزی انسان فقط با زیر و رو شدن نظام سیاسی به دست نمی‌آید ساقط کردن یک رژیم سیاسی کار دشواری است اما ساختن نظام و نظام تازه با آرمان‌های بزرگی چون عدالت، آزادی و استقلال آن هم به نام معنویت و دین، پسی دشوارتر و خطیرتر است. او به درستی در این رفاقت بود که فقط بخش‌هایی از نظام جدید را که مستقیماً با نظم عمومی مرتبط است (سیاست) می‌توان با تحکم و قدرت، بريا و اداره کرد، اما با بخش‌های زیرین این نظم و نظام سیاسی (فرهنگ و اقتصاد) تحکم پذیر نیست، بلکه محتاج اتفاقی درونی (ازش) و اثبات علمی (دانش) است. این، کاری است طولانی که بیش از هر چیز محتاج تعمق و مطالعه و گسترش دلایلی و اکلیه عمومی و در عین حال، نقد فرنگی گذشته و پالودن آن از جنبه‌های منفی است. در مقایله‌ای که در پادشاهی خلیل ملکی (شرکت انتشار- ۱۳۷۵) نوشته است می‌گوید: «سوسیالیسم جهانی، رویایی بیش نیست زیرا می‌خواهد همه ملت‌هارا تحت حکومت واحد درآورد. این توسعه‌طلبی است. اگر سوسیالیسم جهانی نداریم، ارزش‌های معنوی جهانی داریم، اینجا، راه تئوری از همه جا تاهموار و ناشسته است اما این مه، بدون مخلص و ریشه‌داری مانند دکتر رحیمی، این نکته را به خوبی دریافتند که اخلاق و معنویت مهمنم برین عنصر تشکیل‌دهنده هر نظام سیاسی - اجتماعی جدید است، اما این مه، بدون تأمین شرافتمندانه معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت مردم حاصل نمی‌شود. اینکه آیا فرنگی و اخلاق مقدم بر اقتصاد و معيشت است، یا بر عکس، یک بحث قدیمی و نسبتاً نامربوط و بی‌پاسخ است، زیرا رابطه آن دو، رابطه اولویت و ثانویت نیست. به نظر دکتر رحیمی بحث این نیست که کمی اخلاق و اندکی معنویت کافی است، بلکه اخلاق یک مقوله اصلی و معیار سیاست و اقتصاد است. به قول خودش این اقتصاد و سیاست است که باید اخلاقی شود تا م مشروعیت خود را لز قبول اخلاقی بگیرد اما درین که چنین نیست و در دنیای ما هنوز هیتلر، ناپلئون، سزار و نادر و حتی پوش آمریکایی (پدر و پسر) اغلب آشکارا و کمتر نهانی، تحسین می‌شوند و زمامداران گوشش و کنار نداشی بر این از فریندا (مقاله «اقتصاد راخلاقی کنید») کتاب «عبور از فرنگ بازگانی» - انتشارات فکر درین می‌برند. اینک

بگوید -می‌نویسد: «نهضت وطن خواهی مارا آمریکا به کمک آرایمه ره شکست کشید. امید که معنویت انقلاب از خالی نبردها -که متعدد و گوناگون است- پیروز و سرافراز به در آید». باری، در سه مقاله نخست همین کتاب که در بخش «دین» آمده به ویژه «مقاله قرن بیست و یکم» که با یک سوگند قراتی («والعصر») شروع می‌شود، به خوبی می‌توان تأکید رحیمی (به عنوان یک روشنگر غیر دینی) را نسبت به مسائل معنوی و اخلاقی مشاهده کرد.

در سراسر عمر خود هیچ گاه به قدرت نزدیک نشد و عضو هیج دستگاه رسمی قدرت حتی نهادهای هنر و فرهنگ و زبان و ادبیات نبود در یادداشتی که در ۲۲ خرداد ۱۳۷۸ در روزنامه آبان چاپ کرد (به اسم «آقای دکتر سروش شما چرا؟») از این سخن آثاری خاتمی که گفته بود «از ارادی، یعنی آزادی مخالف» به شوق آمده بود و نوشت «این نخستین بار است که از یک دولتمردان مجید می‌کنم امید که واپسین بار نباشد». می‌دانست که من در مرکز گفتگوی تمدن‌ها مختص مسؤولیتی دارم و بارها من می‌گفت خاتمی مرد فرهنگ است که به سیاست آمده و باید این فرست را غنیمت شمود. با این همه می‌گفت لیدوارم مجرور نشوم همین یک جمله را که در ستایش اصحاب قدرت گفتمام پس بگیرم

خود را زیارتی‌ها و ادایهای روشنگری دور نگذاشت آنچه را درست می‌دانست - و چه

رسولی داشت در این کار -می‌نوشت و چل

می‌کرده کار روشنگری هم جز این نیست

پرآکنند آگاهی، نقد و پیشگویی

پرده جهل و خرافه. هیچ گاه سفارشی نتوشت و

در انتخاب اثر برای ترجمه یا نوشتن، وسایس

دانست. یکجا به او گفتم قرار است مجموعه

قوایمن مربوط به مطبوعات چاپ شود شما هم

حقوقدان هستید و هم اهل قلم، خوب است

که مقدمه‌ای بر آن بنویسید. صاف و زود عنبر

خواست و گفت هیچ گاه بدون آنگیزش درونی

نوشتمام مصطفی رحیمی، نمونه کامل یک

روشنگری‌معیار، درست اندیش، منزه، صادق،

فروتن و وطن‌دوست بود که روشنگری این

کشور همواره مدیون او هستند. آخرین طرح

از چهره صمیمی و صادق او را می‌توان در

«اصحابهای با خود» مشاهده کرد که در آخر

کتاب «مارکس و سایدهایش» چاپ شده و

چنانکه از نام آن پیدا است. خودش با خود

گفتگو کرده و به سوالاتی که خواننده ممکن

است داشته باشد پاسخ گفته است. زندگی و

آثار مصطفی رحیمی نمونه کاملی است از

روشنگری پاک، هوشمند، درست اندیش و

راست این که جامعه ما ساخت به آن نیازمند

است. بارها درین می‌برد که «دردا و دریا که

زمانه ما دیگر کامو ندارد». امروز این سخن در

حق خود او صادق است: دریا از مانه ما دیگر

رحیمی ندارد. شکیبایی باید نمی‌دانم تا چه

روز و روزگاری باید شکیبای بود تا یکی مثل

مصطفی رحیمی از مشرق پاکی و آگاهی سر

بر آورد.

جمع صورت با چنین معنای رُزْف

نیست ممکن جز سلطان شُگُر

وقت نگ است و فراخی این کلام

تنگ می‌اید بر او عمر مدام

لب بیندار چه فصاحت دست داد/ دم مزن واله

اعلم بالرشاد

بعضی‌ها می‌خواستند مرگ او در پستی‌ها

باشد اما وقتی مرد، در ارتفاع تمام بود - در

آسمان بلند شرف و قلم مثل چلچراغی از

آگاهی، اویخته از آسمان درستی و پاکی

الگوی هند گاندی پیروی شود. در همان نامه نوشت «نه تنها همواره احترام اصول ادیان و مذهب را در نوشتۀای خود حفظ کرده است، بلکه به شرحی که خواهد امد دوام جامعه را بدون رکن معنویت و روحانیت محال می‌داند». درباره دیدگاه خود نیز خلی صریح نوشت «سال هاست به این نتیجه رسیده‌ام که راه رهایی بشر تلفیق دو اندیشه است: دموکراسی و سوسیالیسم، که هر دو ظاهر آز غرب آمدند اما دروناً همه ملت‌ها و همه فرهنگ‌ها در تکوین آن هر دو سهم داشته‌اند.

امروز آنچه دموکراسی را زرق اندخته سرمایه‌داری است و آنچه سوسیالیسم را به فساد کشاند قدرت عجین شده با کمونیسم است. و اندیشیده‌ام که اگر دموکراسی و سوسیالیسم در فضای از اخلاق و معنویت به هم نبیوندند، ترکیب‌شان پیوندی انسانی نخواهد بود». و بعد انشت گذشت روی زخم اصلی - که البته به همت امام پیش‌بینی مرمدم علاج شد - گفت «سه هزار سال حکومت استبدادی و بیست و پنج سال اختناق مطلق، در وجود همه ما (جز نوعی) دیو مستبدی پرورانده است که خواهان خواه بر قسمتی از اعمال و اندیشه‌های ما سایه می‌اندازد. چنین است که نه تنها توهه مردمان نیازمند تربیت و آموزشی تازه‌اند بلکه هر یک از آن‌ها نیازمند چنین پرورشی هستیم. اگر این کار صورت نگیرد چیزی در عمل تغییر نمی‌پلند» و در جای دیگری هم نوشت که قدرت مثل سم است که اگر بین همه مردم توزیع شود (دموکراسی) خاصیت شفابخش دارد و اگر یکجا و در یک

## باید زندگی کرد

### ■ سیامک عاقلی

به نظر می‌رسد حدود بیست سالی از نخستین دیدار من با مرحوم دکتر مصطفی رحیمی می‌گذرد. خاطرمند هست بعد از ظهری بود و به منزل مرحوم دکتر غلامعلی سیار رفته بود که دکتر رحیمی هم با چند تن دیگر از اهل قلم، در آن مجلس حضور داشتند - از جمله دکتر عنايت‌الله رضا - چند ساعتی این محفوظ اسن و گفتگو به درازا کشید و در پیامون موضوعات مختلف سخن به میان آمد. خوشبختانه این دیدار اولیه به نحوی بود که دوستی و صمیمیت بین ایشان و بنده پیدی آمد؛ تا آنچه که هزارگاهی من خدمت آن بزرگ می‌رسیدم و گاه به گاه هم وی بنده را در مجالسی که سعی می‌کردم از دوستان مناسبی هم دعوت به عمل آورم سرافراز می‌گردند. دکتر مصطفی رحیمی در زمینه فکری و فرهنگی چهارهای شناخته شده است و معرفی افکار و کارهای نامبرده در زمینه مسائل فکری و قلمی و نقد آنها را در صلاحیت خود نمی‌بینم و بهتر است این امر به عهده صاحب‌نظران ذی‌صلاحی که با فعالیت‌های قلمی وی آشناشی لازم دارند، گذاشته شود. همینقدر در اینجا می‌توان گفت، بیشترین تلاش وی صرف معرفی فلسفه اگزیستالیسم شد و در این امر تا حدود زیادی موفق بود و دست کم راقم سطور صاحب قلم دیگری را مناسبی هم دعوت به عمل آورم سرافراز می‌گردند. دکتر مصطفی رحیمی در زمینه فکری و فرهنگی اینچه‌ای شناخته شده است و معرفی افکار و کارهای نامبرده در زمینه مسائل فکری و قلمی او، این‌جا را تاخت تأثیر قرار می‌داند. می‌داند این امر به عهده نجیبیه‌ای در مراولات اجتماعی بود. کم حرف می‌زد یا بهتر است بگوییم به اندیشه‌ی سیاست پیگیری می‌کرد و گاه عکس‌العمل‌هایی نشان می‌داد او فرهنگ‌ملی و فرهنگ‌دینی را پالوده و آرسته می‌خواست و عقیده داشت که هیچ کلام در وضع قفلی‌شان به طور مطلق قابل نفع نیست و با خرافات و بدآموزی‌ها و تعصب در آمیخته‌اند و همین مانع بزرگ ترقی و نجات مردم است (مقاله «سه فرهنگ» در کتاب «از اندی و فرهنگ»). در مصاحبه‌ای گفته است: «روشنگری دینی می‌گذشت»، پیگیری می‌کرد و گاه عکس‌العمل‌هایی نشان می‌داد او فرهنگ‌ملی و فرهنگ‌دینی را پالوده و آرسته می‌خواست و عقیده داشت که هیچ کلام در وضع قفلی‌شان به طور مطلق قابل نفع نیست و با خرافات و بدآموزی‌ها و تعصب در آمیخته‌اند و همین مانع بزرگ ترقی و نجات مردم است (مقاله «سه فرهنگ» در کتاب «از اندی و فرهنگ»)، در مصاحبه‌ای گفته است: «روشنگری و دینداری مانع الجمیع نیستند»، مشروط بر اینکه در امور اجتماعی خواهان به کرسی نشانده‌اند جزیمات نباشند. (مجله کیان، شماره ۱۶). در مجموعه مقالاتش به نام «کامها و آندها» (انتشارات گفتار، ۱۳۷۱) به پله‌گذشتن سیزده سال از انقلاب (تالاچ چاپ کتاب)، می‌گوید «سیزده سال از انقلاب ایران می‌گذرد و هنوز عده‌ای از بسیاری از مباحثان ادعا اهمیت آن امنیت و اخلاقی ارا نیافتدند» در این کتاب با پیام و امید درباره اتفاقات سخن می‌گوید و می‌نویسد: «انقلاب ایران می‌گذرد و هنوز عده‌ای از بسیاری از مباحثان ادعا اهمیت آن امنیت و اخلاقی ارا نیافتدند» در این کتاب با پیام و امید درباره اتفاقات سخن می‌گوید و می‌نویسد: «انقلاب ایران تقریباً ناگهانی سر بر کشید، موج شد و دریا شد و همه چیز را در خود فرو برد». و در پایقی - که گاه گریزگاهی است که نویسنده می‌نویسد بعض حرف‌هایش را در گوش خواننده